

Human Relationship By Internet

ارتباط انسانی از طریق اینترنت

دکتر جرمی استنگروم , Ph.D Jeremy Stangroom

دکتری علوم نظری اجتماعی از دانشکده علوم اقتصادی لندن، متخصص فناوری ارتباطات و اطلاعات IT

آدرس سایت: <http://www.philosophers.co.uk/jeremy>

کلید واژه ها: دنیای غیر مجازی، شخصیت های تخیلی

بسیاری از فیلسوفانی که درباره اینترنت نوشته اند این بحث را به میان کشیده اند که ارتباط افراد از طریق اینترنت به شیوه های مختلف نسبت به انواع معمول و روزمره ی ارتباط که با حضور جسمی افراد همراه است، حالتی تقلیل یافته دارد. برای مثال «هیوبرت دریفوس» در کتاب خود با نام (درباب اینترنت) استدلال می کند که:

(درک ما از واقعیت، اشیاء، افراد و توانایی ما در برقراری ارتباط موثر با آنها به شیوه ای که بدن ما به نحوی بی سروصدا در پس زمینه عمل می کند ارتباط دارد).

توانایی بدن ما در دستیابی به چیزها (اشیاء)، فراهم آورنده درک ما از واقعیت کاری است که انجام می دهیم و آماده ایم که انجام دهیم.

همه این امور را بدن ما آنقدر بی دردسر، فراگیر و موفق انجام می دهد که ما ندرتاً متوجه آن می شویم، و این بدان علت است که بدین سادگی به این نتیجه گیری می رسیم که در فضای سیبرنتیکی (مجازی) می توان بدون حضور جسمی ارتباط برقرار نمود چرا که امکان ارتباطی کامل از این نوع [در فضای مجازی اینترنت] ناممکن است.

درک کردن اینکه چرا فیلسوفان این گونه مباحث را مطرح می کنند آسان است. به نظرمی رسد که بسیاری از جنبه های ارتباط شخصی ما به تماس چهره به چهره و مستقیم نیاز داشته باشد.

برای مثال دریفوس استدلال می کند که اعتماد به اشخاص دیگر تا حدی براساس این تجربه است که آنها از آسیب پذیری ما در یک موقعیت رودر و هنگامی که فرصت استفاده از آن وجود دارد بهره نمی برند.

حتی اگر این استدلال را نپذیریم، به نظر می آید که حقیقتی در این امر وجود دارد که ما می توانیم به حد معینی از اطمینان به افراد هنگام دیدار مستقیم و شخصی با آنها دست یابیم که در روابط آن لاین (بر روی شبکه) [حتی به صورت دیداری و شنیداری] در دسترس نیست. به خصوص امکان فریبکاری آشکار در یک موقعیت مستقیم و رودر و به حداقل می رسد.

همانطور که گوردون گراهام و بسیاری دیگر اشاره کرده اند بر روی اینترنت بسیار آسان است که افراد را با اختراع کردن شخصیت هایی کاملاً تخیلی فریب داد، امری که در دنیای غیرمجازی امکان آن بسیار مشکلتر است. بنابراین به این دلیل و

دلایل مشابه عقیده بر اینست که روابط از اینترنتی در مقایسه با روابط «واقعی» و همراه با حضور جسمی، روابطی ضعیف هستند.

اما پیش از نتیجه گیری نهایی باید اندکی دقت به خرج داد. یک دلیل برای احتیاط به خرج دادن در این نتیجه گیری نهایی اینست که روابط غیرمجازی و واقعی در معرض انواعی از تحریف قرار دارند که عمدتاً در روابط اینترنتی وجود ندارد. یکی از این تحریف ها به مسئله جذابیت جسمی مربوط می شود. نکته مهم دیگر این است که ما براساس ادراکمان از جذابیت جسمی افراد استنباط های ناموجهی درباره افراد انجام می دهیم. برای مثال در پیامد آنچه روانشناسان «اثر مثبت هاله ای» می نامند، افراد جذابتر از لحاظ جسمی باهوشتر، اخلاقی تر، سازگارتر، بهتر و کارآمدتر شمرده می شوند و البته تنها جذابیت جسمی نیست که بر قضاوت های ما درباره افراد تاثیر می گذارد.

ما همچنین در قضاوت درباره دیگران بر نشانه هایی بسیار از جمله سن، جنس، خصوصیات نژادی، سبک لباس پوشیدن، لهجه و طبقه اجتماعی متکی هستیم.

دلیل اینکه این نوع نشانه ها اغلب باعث قضاوت های تحریف شده درباره افراد می شود اینست که ما از «نظریه های تلویحی شخصیت» استفاده می کنیم که بر کلیشه پردازی تکیه دارند. میراندا فریگر، فیلسوف معاصر به نمونه تخیلی جالب توجهی از این نوع فرآیند اشاره کرده است.

در رمان «کشتن مرغ مقلد» که ماجرای آن در آلابامای آمریکا در دهه 1930 رخ می دهد، محاکمه مرد سیاه پوستی را به تصویر می کشد. هیأت منصفه ای تماماً سفیدپوست، حتی با وجود آنکه روشنست که وی حقیقت را می گوید، با اعتقاد کامل شهادت او را قبول نمی کنند. نکته مهم اینست که در آن فرهنگ و در آن زمان سیاه پوست بودن به نحوی کاملاً اشتباه، بیانگر فقدان اعتبار بود. یافتن مثالهای مشابه از زندگی واقعی در مورد کلیشه پردازی آسان است.

امر قابل توجه در ارتباط از طریق اینترنت اینست که خصوصیتی که معیار قضاوت ما درباره افراد در دنیای غیرمجازی است، در دنیای مجازی اینترنت عمدتاً مشاهده ناپذیر هستند. طنز قضیه در اینست که مشخصه ارتباطات از طریق اینترنت یعنی فقدان رابطه چهره به چهره، نبود حضور جسمی - که فریبکاری و جعل هویت آشکار را ممکن می کند - در عین حال مانع گرایش به کلیشه پردازی و هویت سازی می شود. البته نباید در مورد این نتیجه گیری مبالغه کرد.

حتی در روابطی که کاملاً به واسطه کلمات نوشته شده است، مثلاً در گپ های اینترنتی، ما هنوز درباره افراد به داوری هایی دست می زنیم که فراتر از شواهد موجود است. اما به هر حال این احتمال وجود دارد که در این نوع ارتباط های اینترنتی

عمدتاً براساس محتوای واقعی ارتباط با یک شخص داوری کنیم، که با احتمال بیشتری بیانگر جنبه هایی از شخصیت افراد است که خودشان آنها را مهم می شمرند.

پیامد این نکته این است که ما در ارتباط های اینترنتی نسبت به ارتباط های معمول روزمره کنترل بیشتری بر آن جنبه هایی از شخصیت مان که به دیگران عرضه می کنیم اعمال می داریم. از اینروست که در مورد فریبکاری در رابطه اینترنتی نگرانی وجود دارد. اگر با کنترل کردن جنبه هایی از شخصیت امان در ارتباط های آن لاین (بر روی شبکه) بتوانیم از اثرات بدتر گرایشمان به داوری کردن براساس کلیشه های توجیه ناپذیر و بی دلیل اجتناب کنیم، آنگاه امکان دارد ارتباط هایی از طریق اینترنت، دست کم در برخی جنبه ها، نسبت به اغلب ارتباط های روزمره همراه با حضور جسمی، کمتر تحریف شده و بیشتر «واقعی» باشد.